

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۳۰ (پیاپی ۲۷) زمستان ۹۰

نگاهی دیگر به بیتی از خاقانی* (علمی - پژوهشی) (ابهام، قلب، یا تصحیف)

دکتر هادی رضوان

استاد یار دانشگاه کردستان

چکیده

خاقانی شاعری است دیر آشنا و شعر او هنوز هم ابهامات فراوان دارد. دلیل این امر، تعدد منابع و تعدد خاقانی در بهره گرفتن از تمام آموزه هایش در شعر است؛ به همین دلیل، مجال پژوهش در دیوان خاقانی گسترده است.

نویسنده در این مقاله می کوشد تا کلمه «عیشا» را در بیتی معروف از قصیده ترسائیۀ خاقانی بار دیگر مورد بررسی قرار دهد و در احتمالات گوناگون آن، تأملی دیگر کند او در نهایت، احتمال و یا احتمالاتی را که با سبک و شیوه بیان خاقانی تناسب بیشتری دارد، بر می گزیند.

کلید واژه ها: خاقانی، عیشا، قلب، تصحیف

مقدمه

از جمله قصاید معروف خاقانی، قصیده حبسیۀ ترسائیۀ اوست که شاعر در آن شاهزاده بیزانس، اندرونیکوس کومننوس، را که در طی ماجراهای دور و دراز خویش به شروان افتاده بود، به شفاعت می خواند و به همین دلیل، قصیده آکنده از کنایات و اشارات خاص آیین مسیح است. (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۸)

خاقانی از شاعرانی است که پیوسته می کوشند تا از تمام معلومات و دانش های خود در شعر استفاده کنند اما در این خصیصه، هیچ شاعری به پای خاقانی نمی رسد. طبیعی است اگر اصطلاحات موجود در قصیده ترسائیه نیز از منابع گوناگون به دست آمده باشد؛ همین باعث شده است که خاقانی پژوهان به این قصیده، عنایت ویژه ای داشته باشند و لغات و اصطلاحات آن را تفسیر کنند.

واژه «عیشا»، در این میان از جمله واژگانی است که شارحان با تردید در آن نگریسته اند و اگر چه برای این واژه چند احتمال آورده اند، به نظر نویسنده این مقاله، هیچ کدام از این احتمالات با سبک و شیوه شعری خاقانی تناسب ندارد و آنچه در این مقاله در تأویل این واژه می آید، به نظر مناسب تر و با سیاق بیت و حتی سایر ابیات، سازگارتر است.

۱- بیان مسئله

خاقانی نیز چون مسعود سعد به زندان افتاد اما حبس او با حبس مسعود تفاوت دارد. از سویی، زندان خاقانی دیر نپائید و از چند ماه تجاوز نکرد و از دیگر سو، حبس او نوعی گوشمالی یا حبس تأدیبی به شمار می آید. (دشتی، ۱۳۵۷: ۱۵۰) از این رو، سختی زندان، عنان سبک از خاقانی نمی ستاند و در قصیده ترسائیه، احساسات و عواطف بر چیدمان عقلانی کلمات غلبه نمی کند.

در هر حال، شاعر در پایان قصیده به تمام اموری که در آیین مسیح مقدس شمرده می شود و به فال و تاثیر ستارگان، میهمان بزرگوار را سوگند می دهد که برای وی از ممدوح و خداوندگار وی، اجازت سفر بیت المقدس را در خواهد. (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۶۰)

خاقانی «عظیم الروم» شاهزاده را چنین سوگند می دهد:

تـرا سوگند خواهم داد حقاً	مسیحاً خصلتاً قیصر نژادا
به انجیل و حواری و مسیحاً	به روح القدس و نفع روح و مریم
به دست و آستین باد مجراً	به مهد راستین و حامل بکر
به تقدیسات انصار و شلیخاً	به بیت المقدس و اقصی و صخره
به یوحنا و شماس و بحیراً	به ناقوس و به زنار و به قندیل
به عید هیکل و صوم العذراً	به خمسین و به دنح و لیلۃ الفطر
به دوری عیسی از پیوند عیشاً	به پاکی مریم از تزویج یوسف

به بیخ و شاخ و برگ آن درختی	که آمد میوه ش از روح معلا
به جاه تیر کانگه بود نیسان	به نخل پیر کانا گشت برنا
به بانگ و زاری مولو زن از دیر	به بند آهن اسقف بر اعضا
به تثلیث بروج و ماه و انجم	به تربیع وبه تسدیس و ثلاثا
که بهر دیدن بیت المقدس	مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

همان طور که ملاحظه می شود، شاعر در هر بیت به دسته ای از امور مربوط به مسیحیت سوگند یاد می کند و تقریباً هر بیت، در درون خود نوعی از تناسب را داراست. در جایی از خدا و بشر و ملک، سخن به میان می آید (روح القدس و نفخ روح و مریم) و در جایی از پیامبر و کتاب و یاران او (انجیل و حواری و مسیحا). بیتی از معجزات می گوید (به مهد راستین و.....) و بیتی از سرزمین ها و تشریفات مقدس (به بیت المقدس و.....). جایی سخن از اشیاء مقدس است (به ناقوس و به زنار و به قندیل) و جایی از اشخاص مقدس (به یوحنا و شماس و بحیرا) و.....

و اما در این میان، بیتی هم سخن از پاکی و عفاف می گوید:

به پاکی مریم از تزویج یوسف به دوری عیسی از پیوند «عیشا»

واژگان، در هر بیت از نوعی تناسب خاص برخوردارند که خاقانی بی شک آن را در نظر داشته و در نتیجه، هر دسته از این امور را در بیتی طبقه بندی کرده است اما ابهام واژه «عیشا»، سبب شده تا شارحان هر کدام به گونه ای آن را تأویل کنند ولی هر تأویل به نوعی تناسب بیت را از میان برداشته است.

برای روشن شدن موضوع، ناگزیر باید به آنچه که شارحان در این خصوص گفته اند، به اختصار اشاره کنیم.

۱-واژه «عیشا» از دید خاقانی پژوهان

۱-۲- شکل واژه در دیوان خاقانی

در همه نسخه های تصحیح شده موجود، این کلمه به صورت «عیشا» ضبط شده است. از جمله در تصحیح دکتر ضیاءالدین سجادی (۱۳۵۷: ۲۸)، علی عبدالرسولی (ص ۲۵)، نسخه ویراسته دکتر میر جلال الدین کزازی (۱۳۷۵، ج ۱: ۴۴) و جهانگیر منصور (۱۳۷۵)

۱۸). در برخی از منابع هم، کلمه «اشیا» به عنوان نسخه بدل آمده است (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۸۳) و عزیزاده، ۱۳۸۲: ۲۲۱؛ به نقل از شرح محمد قزوینی).

۲-۲- معنای واژه

به نظر می رسد معنی این واژه نزد همه شارحان، مبهم و تقریباً نامناسب بوده است. مینورسکی با تردید به این کلمه می نگرد. زرین کوب در ترجمه این نظر می گوید: «نسخه بدل: به دوری عیسی از پیوند اشیا، معنی مناسبی دارد اما جناس و تناسب خطی موجود بین عیسی و عیثا، بیشتر با سبک بیان خاقانی موافق به نظر می آید و مثل کلمه فارسی مسیحا در معاجم و قوامیس عربی دیده نمی شود. این کلمه مستقیماً از ریشه عیش عربی نباید مشتق شده باشد زیرا در لغت سریانی، برای حرف سین غالباً شین به کار می برند. (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۸۳)

پذیرفتن نسخه بدل از جانب مینورسکی و زرین کوب، به آن خاطر است که «اشیا»، جمع «شیء» است و هیچ ابهامی در آن نیست و «دوری عیسی از پیوند اشیا»، به آن معنی است که عیسی علیه السلام، فارغ از تعلقات مادی و دنیوی بوده است و این، با مقام نبوت او بسیار مناسب است اما او در عین حال، در پذیرفتن «اشیا» تردید می کند زیرا سبک بیان خاقانی و شیوه شعری او، این اجازه را نمی دهد. خاقانی از شاعرانی است که به تناسب لفظی و خطی پایبند بوده اند و آن را در شعر خود به تمامی رعایت کرده اند و از این جهت، کلمه «عیثا» با «عیسی» تناسب بیشتری دارد اما معنی این واژه چه می تواند باشد؟ آنچه مسلم است، این کلمه از «عیش» عربی مشتق نشده و نباید کلمه ای عربی باشد. شارحان دیوان خاقانی به تبعیت از برخی فرهنگ نویسان، آن را به معنی «زهدان و قرارگاه طفل در رحم مادر» دانسته اند.

دکتر کزازی هم چون مینورسکی و مرحوم زرین کوب (همان)، با تردید در کلمه «عیثا» - و البته در نسخه بدل آن - می نگرد و به دنبال تأویل دیگری برای آن است: «معنی این واژه شگفت را فرهنگ نویسان، زهدان و قرارگاه طفل در رحم مادر و آن اسباب که بچه بدان در رحم موجود گردد، دانسته اند. ناشناختگی این واژه چنان بوده است که در پاره ای از برنوشته های دیوان، به جای آن، «اشیا» نهاده شده است. اما دوری عیسی از اشیا، معنایی شگرف نمی تواند داشت که خاقانی به آن سوگند یاد

کند زیرا همهٔ پاکان و نیکان از آرایش های جهان خاکی و از پیوند و دلبستگی به اشیاء، به دور و پیراسته بوده اند و این تنها ویژگی عیسی نیست. از دیگر سوی، معنایی نیز که در فرهنگ ها برای «عیشا» نوشته اند، با زمینهٔ سخن خاقانی در این بیت سازگار نمی افتد زیرا ویژگی شگرف در زادن عیسی آن نیست که در زهدان مام پرورده نشده است، آن است که از دوشیزه ای زاده است.» (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

بر این اساس به باور او، «عیشا» در این بیت، نام است. نام کسی که به باور مسلمانان، به جای عیسی برچلیپا برآورده شد. این نام در پاره ای از منابع، ایشوع، نوشته شده است. ایشوع یا یشوع، ریختی دیگر از عیسا است.» (همان)

لازم به ذکر است که مرحوم دکتر معین که بر بسیاری از واژگان این قصیده حاشیه نوشته (نک: معین، ۱۳۶۳: ۱۸-۲۸)، به معنی این واژه، هیچ اشاره ای نکرده است.

۲- نقدی بر دیدگاه های شارحان خاقانی

البته واضح است که شارحان و مصححان دیوان خاقانی، خود در معنای واژه تردید کرده اند. بنا بر این «عیشا» یا «اشیا»، بالذات و خارج از سیاق بیت، جای نقد و بررسی چندانی ندارد. برای بیان بیشتر مسئله، بیت را بار دیگر به شکلی کلی بازخوانی می کنیم.

به پاکی مریم از تزویج یوسف به دوری عیسی از پیوند عیشا(اشیا)

همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، این بیت یکی از ابیات خاتمهٔ قصیدهٔ ترسائیه به شمار می آید که خاقانی در آن، شاهزادهٔ رومی را به اموری سوگند می دهد و تقریباً هر بیت برای خود مستقل است. این بیت، سخن از عفت و پاکدامنی مریم و عیسی - علیهما السلام - می گوید. در مصراع اول، «پاکی» به معنی پاکدامنی و برائت از گناه است.

یوسف، در منابع اسلامی از منسوبان مریم است. در کتاب عرائس آمده است:

«وكان مع مریم فی المسجد من المحررين، ابن عم لها يقال له يوسف النجار؛ و كان رجلاً حليماً نجاراً يتصدق بعمل يده. و كان يوسف و مریم، يليان خدمة الكنيسة. و كانت مریم اذا نفذ ماؤها و ماء يوسف، أخذ كل واحد منهما قلته و انطلق الى المغارة التي فيه الماء فيسقيان منه و يرجعان إلى الكنيسة (الثعالبي: ۲۲۵). او پسرعموی مریم بود و با مریم خدمت کنیسه می کرد. او مردی بردبار و نیکوکار بود و

دروذگری می کرد و گاه، همراه مریم می رفت تا مشک هایشان را پر آب کنند و به کنیسه باز گردند.

به عقیده پاره ای از مسیحیان هم، یوسف نامزد مریم (ماهیار، ۱۳۸۱: ۶۶) و به باور گروهی دیگر از آنان، شوی او بود که تبار به داوود می رسانید و به هنگام زادن عیسی در بیت اللحم، بر بالین او بود. (کزازی، ۱۳۷۶: ۱۴۸)

و اما یهود، در مورد عیسی و مادر او باور دیگری داشتند. کفر و انکار آنان نسبت به عیسی (ع) از حد گذشته بود تا آنجا که پیامبر خدا، عیسی، از یاران حقیقی خود جویا شد: فلما أحس عیسی منهم الکفر قال من أنصاری إلى الله. (آل عمران: ۵۲) آری یهود عیسای ناصری و مادرش را دوزخی می پنداشتند و براین باور بودند که مادر عیسی، او را در اثر زنا زاده است. (نک: المرصفی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۱۴)، پس وجود رابطه نامشروع مریم و یوسف، در اصل فکری یهودی است که خاقانی در مصراع اول این بیت، آن را به شدت انکار می کند و حتی باور مسیحیان را هم نمی پذیرد که می گویند مریم با یوسف نجار ازدواج کرد. تا اینجا همه چیز روشن است و شارحان شعر خاقانی هم در آن تردید نکرده اند. ابهام واژه «عیشا»، مصراع دوم را از مصراع اول جدا می کند و پیوستگی و انسجام بیت را از میان می برد.

اگر «عیشا» به معنی «رحم مادر» باشد، «پیوند» نیز به معنی مطلق ارتباط است و خاقانی به عدم ارتباط عیسی با زهدان مادر سوگند خورده است اما آنگونه که از دیوان خاقانی برمی آید، او به قرآن آگاه است و آموزه های دینی او در سطحی بالاست و قرآن کریم هم به ارتباط عیسی (ع) با زهدان مادر تصریح دارد: فحملته فانتبذت به مکاناً قصياً فاجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت یالیتنی مت قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً. (مریم: ۲۲-۲۳) مریم به عیسی حامله شد و او را با خود به مکانی در دور دست بود و درد زایمان، او را به پای درخت نخل کشاند و.....

به نظر نمی رسد که خاقانی از این مطلب غافل بوده و ارتباط عیسی با زهدان مادر را انکار کرده و به عدم ارتباط، سوگند یاد کرده باشد.

نسخه بدل «اشیا» هم، نه تنها مشکل را حل نمی کند بلکه بر گسستگی بیت دو چندان می افزاید. خاقانی که سبک شعریش بر همگان آشکار است و در خاتمه این قصیده هم-

چنانکه دیدیم - سعی بر رعایت وحدت تک تک ابیات دارد، چگونه ممکن است در این بیت، در مصراع اول سخن از ازدواج مریم و یوسف بگوید و مریم را از آن مبرا بداند و بر آن سوگند یاد کند و در مصراع دوم، ناگاه از آزاد بودن عیسی از بند تعلقات مادی و دنیوی سخن براند؟ این کجا و آن کجا؟!

اما اگر «عیشا»، شکلی تغییر یافته از «ایشوع» یا «یشوع» باشد چه؟ در این صورت معنی آنست که عیسی (ع) با آن «عیشا» نام که یهودیان به اشتباه بر صلیبش آویختند، پیوندی ندارد. این احتمال، اولاً مشکل گسستگی را به حال خود باقی می گذارد و ثانیاً مشکلی دیگر به معنای بیت اضافه می کند. در مصراع اول، خاقانی بر باوری اسلامی سوگند یاد می کند و باوری مسیحی (ازدواج مریم و یوسف) را انکار می کند اما در باور مسیحیان «عیسی» با «عیشا» ارتباط و پیوندی ندارد که خاقانی بخواهد آن را هم انکار کند. به عقیده مسیحیان، آنکه بر صلیب رفت، خود «عیسی» بود. ارتباط «عیسی» و «عیشای یهودی»، باوری اسلامی است زیرا به نص صریح قرآن، یهودیان، دیگری را به جای عیسی به دار آویختند: وما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم. (نساء: ۱۵۷) پس، از این جهت ماجرای عیسی (ع) با ماجرای آن شخص یهودی که به دارش آویختند، ارتباط دارد؛ چگونه ممکن است خاقانی آن را انکار کند و به عدم ارتباط سوگند یاد نماید؟

۳- دیدگاه نگارنده در مورد واژه «عیشا»

اندکی تفصیل در آنچه گذشت، لازم بود تا نگارنده بتواند به گونه ای دیگر از واژه «عیشا» سخن بگوید. اگر تفسیرهای ذکر شده، بیت را دو تکه و از هم گسیخته می کند، چه احتمال دیگری می تواند پیوستگی بیت را بازگرداند و آن را با سبک خاقانی آشتی دهد؟ به نظر نگارنده، این بیت تنها زمانی پیوسته و به سبک شعری خاقانی نزدیک است که تمام بیت (هر دو مصرع)، سخن از عفت و پاکدامنی بگوید؛ ابتدا از عفت مریم و حتی بری بودن از ازدواج و سپس از عفت عیسی (ع). اما سخن از عفت عیسی پیامبر چرا؟ آیا ممکن است عیسی را هم به مانند مادرش، به ناپاکی متهم کرده باشند؟

شواهدی هست که احتمال چنین تهمتی را ممکن می سازد. اول آنکه به تصریح قرآن، دشمنی یهود با عیسی نبی (ع) به نهایت خود رسیده بود: فلما أحس عیسی منهم الکفر قال من أنصاری إلی الله. (آل عمران: ۵۲) انکار نبوت، منتهی درجه کفر است و طبیعی است

آنکه پیامبری پیامبری را انکار کند، او را به انواع گوناگون متهم می سازد. کسی که مادر پیامبر را متهم به ناپاکی (و یا امری غیر متعارف) کند، از متهم ساختن پیامبر خدا هم هراسی ندارد. دوم آنکه شواهد دیگری بر این اتهام هست؛ از جمله روایتی در عرائس ثعالبی: «روی الکلبی عن أبي صالح عن ابن عباس أن عيسى عليه السلام استقبل رهطاً من اليهود فلما رأوه قالوا قد جاء الساحر بن الساحرة الفاعل بن الفاعلة فقد فوه و أمه...» (ثعالبی: ۲۲۵) این روایت در تفسیر ابو الفتوح رازی که به عصر خاقانی نزدیک است، هم آمده است. (نک: حقوقی، ۱۳۴۸، ج ۳: ۴۱۵)

آری یهود، عیسی (ع) و مادرش را به سحر و ناپاکی متهم می کردند و چنان که گفتیم، معلومات خاقانی در مورد عیسی، از منابع گوناگون بوده است و بعید نیست که خاقانی چنین مطلبی را در جایی شنیده یا خوانده باشد. با این فرض، عیسی (ع) را به داشتن رابطه با چه کسی متهم ساخته اند؟

در کتاب های عهد جدید، دوازده بار از زنی به نام مریم مجدلیه نام برده شده است. او از یاران مسیح به شمار آمده که شاهد به صلیب کشیدن وی بوده است و به عقیده مسیحیان، اولین کسی است که مسیح پس از قیامت، او را خواهد دید. (ابوالخیر، ۲۰۰۶: ۱۶) اما به عقیده خود مسیحیان کاتولیک، پاپ گریگوری در قرن ششم میلادی، مریم مجدلیه را چون زنی زناکار به تصویر کشیده که به دست مسیح، توبه کرده و از پیروان او گشته است. در انجیل فیلیپ هم که نزد کاتولیک ها غیر قابل اعتماد است، مریم مجدلیه، رفیق یا همسر عیسی (ع) به شمار آمده است. (همان: ۱۸)

به روایت اناجیل رسمی، مریم مجدلیه تنها یکی از زنان پیرو عیسی (ع) بوده است. در انجیل متی باب بیست و هفتم آمده است: «در آنجا، زنان بسیاری که از جلیل عیسی را خدمت کرده متابعت می نمودند، از دور در مشاهده بودند و مریم مگلدیه و مریم مادر یعقوب و یوشا و مادر فرزندان زبیدی در آن میدان بودند.» (همدانی، ۱۳۸۳: ۵۷ و ۵۶)

همه این تفصیلات به آن خاطر است که بگوییم: به باور برخی نسطوریان، عیسی (ع) ازدواج کرده و از آن مهم تر، یهود او را چون مادرش، به سحر و ناپاکی متهم ساخته اند. از سویی در کتاب های عهد جدید، جز مریم مجدلیه، از زنان دیگری هم سخن به میان آمده است. بعید نیست کافران به حضرت مسیح، او را به پیوند با دیگر زنان هم متهم کرده

باشند؛ به خصوص آنکه در دیانت یهود، شیوه های کشتن و از جمله بردار آویختن، مجازات کسانی بوده که گناهمانی چون فریب مردم، جادوگری، کفر و زنا مرتکب شده باشند (کهن، ۱۳۸۲: ۳۲۱). پس یهود برای از میان برداشتن مسیح (ع)، به همه این بهانه ها نیاز داشته و شاید به هر کدام از آنها متوسل شده است. با این پیش زمینه، بار دیگر به سراغ بیت خاقانی و واژه عیسا می رویم.

۴-۱- روایت اصلی واژه (عیسا)

بر اساس فرضیات ذکر شده، «عیسا»، نام زنی است که یهودیان، عیسی (ع) را به داشتن رابطه با او متهم کرده اند و شاید برخی معتقد بوده اند که عیسی (ع) با او ازدواج کرده است اما در منابع، از زنی به نام «عیسا» یاد نشده است. همچنین احتمال دارد که این واژه، شکلی تغییر یافته از نامی مؤنث باشد. در برخی کتاب های تاریخ، از «ایساع» نامی یاد شده که گویا همسر حضرت زکریا (ع) و خواهر حنه، مادر حضرت مریم، بوده است، (أبو الفداء، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۰). این بدان معناست که ایساع، در زمان حضرت عیسی (ع) و قبل از او، نام زنان بوده است و قطعاً زنان دیگری به این نام، در آن دوران زیسته اند. در انجیل متی نیز به نام «یوشا» یا «یوسی» اشاره شده (همدانی، ۱۳۸۳: ۵۶ و ۵۷) که گویا شاهد بردار رفتن مسیح بوده است. با توجه به آنکه در زبان سریانی غالباً برای حذف سین، شین به کار می برند (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۸۳)، احتمال دارد که «عیسا» مقلوب و تغییر شکل یافته ایساع یا یوشا یا یوسی باشد:

ایساع _____ عیسا _____ عیسا

یوشا _____ عیسا

یوسی _____ یوشا _____ عیسا

همچنین احتمال دارد که عیسا، در اصل همان عیسا، مقلوب ایساع، بوده و به تصحیف، آن را (عیسا) خوانده باشند زیرا تصحیف، خواندن کلمه بر خلاف آنچه نویسنده اراده کرده می باشد (مطلوب، ۲۰۰۷: ۳۵۵) که معمولاً با نقطه دار ساختن حرفی بدون نقطه و یا زدودن نقطه از حرف پدید می آید.

۴-۲- نسخه بدل اشیا

همان طور که اشاره شد، در برخی نسخه های دیوان خاقانی، کلمه اشیا، به عنوان نسخه بدل آمده است که به نظر شارحان، جمع شیء است و چون واژه اشیا را بی تناسب با مقتضای بیت دانسته اند، توجه چندانی به آن نکرده اند. به نظر می رسد اشیا در این بیت خاقانی، اشیا جمع شیء نیست بلکه اسم خاص و علم مؤنث است.

در برخی منابع چنین آمده است: «مریم دختر عمران و مادر حضرت عیسی - علیه السلام - می باشد. نام مادرش حنه و حنه، خواهری داشت به نام «ایشا» که همسر حضرت زکریا بود. (اردلان جوان، ۱۳۶۷: ۲۲۴) اگر چنین باشد، قطعاً در آن زمان «ایشا» های دیگری هم بوده اند و شاید یهودیان دشمن مسیح (ع)، او را به پیوند با یکی از آنها متهم کرده باشند. پس بی مناسبت نیست اگر بگوییم: «اشیا» در بیت خاقانی، مقلوب «ایشا» است. در کتاب قصص الأنبیای «ابن کثیر» هم، اشاره ای نزدیک به این مضمون آمده است که این مدعا را تقویت می کند: «فإن أم یحیی اشیا بنت عمران أخت مریم بنت عمران. و قيل: بل اشیا هی امرأة زکریا أم یحیی هی أخت حنه امرأة عمران أم مریم. فیکون یحیی ابن خاله مریم. فالله اعلم.» (ابن کثیر، ۱۴۲۳: ۴۸۸) آیا ممکن است که اشیا در بیت خاقانی، «اشیا» نامی بوده باشد که عین آن به جهت تخفیف و رعایت قافیه افتاده باشد؟! اگر چنین باشد، نسخه بدل (اشیا) نه تنها بی ربط نیست بلکه در تناسب، چیزی از (عیشا) کم ندارد.

۴-۳- نظری به اشتقاق «عیسی»

به باور مفسران و لغویان، «عیسی» واژه ای غیر عربی و در واقع همان «یسوع» است و بر خلاف آنچه ظاهر کلمه نشان می دهد، مشتق از عیس، به معنای سپیدی آمیخته به سرخی، نیست: «و من زعم أنه مشتق من العیس و هو بیاض یخالطه شقرة فغیر مصیب لأن اشتقاق العربی لا یدخل الاسماء الأعجمیة (أبو حیان، ۱۴۱۳ ج ۱: ۴۶۵) «والأصح أنه لا اشتقاق له و لأمثاله فی العربیة. (ارمی ۱۴۲۱ ج ۲: ۷۲ و نک: آریان، ۱۳۷۸: ۲۶۸ و ۲۶۹)

اما در مقابل این قول اصح، گروهی به اشتقاق آن از «عیس» قائلند و آن را صیغه ای شبه فعلی دانسته اند، «قال الأزهری: كأن أصل الحرف من العیس، قال: و عیسی شبه فعلی... و یکون اشتقاقه من شیئین أحدهما العیس و الآخر العوس و هو السیاسة. (ابن منظور، ج ۱۰

(۳۵۱) مناسب با همین اشتقاق، در برخی روایات، عیسی(ع) را مردی با چهره سرخ آمیخته به سپیدی دانسته اند: « قال كعب الأحبار كان عيسى بن مريم رجلا أحمر مائلاً إلى البياض. » (ثعالبی: ۲۱۷)

صرف نظر از قوت و ضعف این روایت و آن رأی، ممکن است خاقانی در این بیت به جانب اشتقاق کلمه عیسی نظری داشته و به همین خاطر، به جای آوردن اسم خاص (شاید مریم مجدلیه!!)، صفت عیساء، به معنی زن سپید آمیخته به سرخی را آورده باشد. پس عیسا در بیت خاقانی، تصحیف عیسا و کنایه از همان زنی است که معاندان، حضرت مسیح(ع) را متهم به داشتن رابطه یا ازدواج با او کرده اند.

اگر یکی از این احتمالات صائب باشد، واژه پیوند نیز به معنی ازدواج یا رابطه دوستانه - و نه مطلق ارتباط بین اشیاء - خواهد بود. (نک: انوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۵۷)

۴-۴- بازخوانی بیت

حال با توجه به آنچه که گذشت، بیت خاقانی را باردیگر باز نویسی و بازخوانی می کنیم:

به پاکی مریم از تزویج یوسف به دوری عیسی از پیوند عیسا(اشیا)

مصراع اول	مصراع دوم
پاکی	دوری
مریم	عیسی
تزویج	پیوند
یوسف	عیسا(اشیا)

نتیجه

۱- واژه عیسا در قصیده ترسائیۀ خاقانی، به احتمال زیاد نام زنی است که معاندان، عیسی(ع) را به داشتن رابطه با او متهم کرده اند و یا به نظر برخی، عیسی(ع) با او ازدواج کرده است(با توجه به تصریح خاقانی به کلمه تزویج).

۲- نسخه بدل (اشیا) نیز با معنای بیت متناسب است زیرا(اشیا) هم به احتمال زیاد، اسم خاص است و نه جمع شیء .

فهرست منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- آریان، قمر. (۱۳۷۸). *چهره مسیح در ادبیات فارسی*. تهران: سخن.
- ۳- ابن کثیر، عماد الدین أبو الفداء اسماعیل. (۱۴۲۳هـ). *قصص الانبیاء*. دمشق: دارالخیر.
- ۴- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم. (۲۰۰۰م). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ۵- ابو الخیر، القس عبد المسیح بسیط. (۲۰۰۶م). *مریم المجدلیه و علاقتها بالمسیح رداً علی کتاب شفره دافنشی*. مطبعه المصریین.
- ۶- ابو الفداء، الملک مؤید عماد الدین اسماعیل بن محمد بن محمود بن عمر شاهنشاه بن ایوب. (۱۴۱۷هـ). *تاریخ ابو الفداء المختصر فی أخبار البشر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۷- ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۱۳هـ). *البحر المحیط*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۸- اردلان جوان، علی. (۱۳۶۷). *تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی*. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۹- ارمی، محمد الامین بن عبدالله. (۱۴۲۱هـ). *تفسیر حدائق الروح و الريحان فی روابی علوم القرآن*. بیروت: دار طوق النجاة.
- ۱۰- انوری، حسن. (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*. تهران: سخن.
- ۱۱- ثعالبی، ابن اسحق احمد بن محمد ابراهیم. (بی تا). *قصص الانبیاء المسمی بالعرائس*. مصر: دارالادب العربی للطباعة.
- ۱۲- حقوقی، عسکر. (۱۳۴۸). *تحقیق در تفسیر ابو الفتوح رازی*. (ج ۳) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳- خاقانی شروانی، بدیل بن علی. (۱۳۵۷). *دیوان خاقانی شروانی*. به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی. تهران: زوار.
- ۱۴- _____. (بی تا). *دیوان خاقانی*، تصحیح علی عبدالرسولی. تهران: کتابخانه خیام.
- ۱۵- _____. (۱۳۷۵). *دیوان خاقانی*. ویراسته دکتر میرجلال الدین کزازی. تهران: نشر مرکز.

- ۱۶- _____ (۱۳۷۵). **دیوان خاقانی شروانی**. مطابق نسخه خطی ۷۶۳ هجری با مقدمه استاد بدیع الزمان فروزانفر، به اهتمام جهانگیر منصور. تهران: نگاه.
- ۱۷- دشتی، علی. (۱۳۵۷). **خاقانی شاعری دیر آشنا**. تهران: امیر کبیر.
- ۱۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). **دیدار با کعبه جان، درباره زندگی آثار و اندیشه خاقانی**. تهران: سخن.
- ۱۹- علیزاده، جمشید. (۱۳۸۲). **ساعری در میان سنگستان زندگی و اندیشه و شعر خاقانی (مجموعه مقالات)**. تهران: نشر مرکز.
- ۲۰- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۷۶). **سوزن عیسی**. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۱- کهن، ابراهام. (۱۳۸۲). **گنجینه ای از تلمود**. ترجمه انگلیسی: امیر فریدون گرگان، ترجمه و تطبیق با متون عربی: یعو شوع لتن الی. تهران: اساطیر.
- ۲۲- ماهیار، عباس. (۱۳۸۱). **گزیده اشعار خاقانی**. تهران: قطره.
- ۲۳- المرصفی، سعد. (۱۴۱۳هـ). **الرسول و الیهود و جهالوجه (الفکر الیهودی)**. کویت: مکتبه المنار الاسلامیه.
- ۲۴- مطلوب، أحمد. (۲۰۰۷م). **معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها**. مکتبه، لبنان ناشرون، بیروت.
- ۲۵- معین، محمد. (۱۳۶۹). **حواشی بر اشعار خاقانی شروانی**. به کوشش دکتر ضیاء الدین سجادی. تهران: پازنگ.
- ۲۶- همدانی، فاضل خان و دیگران. (۱۳۸۳). **ترجمه کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید**. تهران: اساطیر.